

مسأله‌یابی موزه‌های حاصل از تغییر کاربری ابنیه تاریخی: مطالعه موردی موزه‌های استان مازندران

محمدحسن زال^I، عابد تقوی^{II}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NBSH.2017.4209.1153

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۴۵-۲۶۳

چکیده

I. دانشیار گروه مدیریت جهانگردی، دانشکده دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).
m.zaal@umz.ac.ir
II. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

موزه‌ها، نهادهایی فرهنگی محسوب می‌شوند که ویژگی‌های فرهنگی اقوام و ملل مختلف را به‌طور جمعی و یکجا به‌نمایش می‌گذارند. موزه‌ها از منظر موضوعی و ساختاری گونه‌های مختلفی دارند که موزه‌های باستان‌شناسی و مردم‌شناسی در گروه نخست و موزه‌های استاندارد و موزه خانه‌های تاریخی در گروه دوم قرار می‌گیرند. موزه خانه‌های تاریخی از مرمت احیا و تغییر کاربری بناها و خانه‌های سنتی ایجاد می‌شوند که یکی از راهکارهای وارد کردن بناهای سنتی به چرخه حیات، بهره‌گیری و محافظت از آن‌ها محسوب می‌شوند. مازندران از جمله استان‌های تاریخی ایران است که در آن موزه خانه‌های تاریخی متعددی احداث شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی چالش‌های عملکردی فراروی موزه خانه‌های تاریخی در مازندران است. در پژوهش پیش‌رو، سه موزه صنایع دستی ساری، موزه تاریخ آمل و موزه گنجینه بابل به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده‌اند. گردآوری داده‌ها با روش مطالعات اسنادی و میدانی انجام شده است. از این‌رو، اساسی‌ترین پرسش مطرح شده در این پژوهش عبارتند از: سه موزه یادشده، به‌عنوان نمونه موزه‌های حاصل از مرمت و احیاء بناهای تاریخی در مازندران، تا چه اندازه مطابق با استانداردهای موزه‌ای و موزه‌های استاندارد عمل می‌کنند؟ و چالش‌های اساسی این گونه از موزه‌ها کدامند؟ مطالعات میدانی در این پژوهش از طریق طراحی و توزیع پرسشنامه محقق ساخت و گردآوری دیدگاه‌های متخصصان دو حوزه معماری و باستان‌شناسی انجام شده است. متغیرها و ابعاد مورد بررسی در پرسشنامه، حوزه‌های ساختار فیزیکی، ساختار حفاظتی، کیفیت عملکرد و امکانات جانبی را دربر می‌گیرد. برای پردازش داده‌ها از نرم‌افزار آماري SPSS و برای تحلیل داده‌ها نیز از آماره‌های توصیفی و آزمون‌های استنباطی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، مؤلفه‌های کیفیت عملکرد در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارند، اما با توجه به سطح میانگین آن‌ها، این بخش نیازمند ارتقاء اساسی است. هم‌چنین تمام معیارهای مرتبط با شاخص ساختار فیزیکی، در وضع نامطلوبی قرار دارند که این امر نشان‌دهنده عدم تطابق ساختار فیزیکی ابنیه تاریخی با ساختار فیزیکی موزه‌های استاندارد است. بازتاب این مشکلات را می‌توان از رضایت و یا عدم رضایت مخاطبان و بازدیدکنندگان از موزه نیز دریافت؛ بنابراین وضعیت موجود باید از سوی نهادهای مرتبط هم‌چون سازمان میراث بهبود یابد.

کلیدواژگان: خانه موزه‌های تاریخی، تغییر کاربری، چالش‌های عملکردی، مازندران.

مقدمه

موزه‌ها، بارزترین جلوه‌گاه و نمایشگاه میراث فرهنگی بشر به شمار می‌روند (Lee et al., 2010: 743). نقش این نهاد، در نمایش ویژگی‌های فرهنگی سرزمین مقصد و ایجاد حَقّ معنوی در مخاطبان انکارناپذیر است. با توجه به اهمیت فرهنگ و حفظ آثار فرهنگی، رعایت برخی از استانداردها در موزه بسیار حیاتی است (صادق پور فیروزآباد و همکاران، ۱۳۹۴). به همین دلیل، همگام با روند تکاملی موزه‌ها و به منظور نظارت بر صحت انجام وظایف خطیر فرهنگی آن‌ها، Icom^۱ یا همان (شورای بین‌المللی موزه‌ها/ International committee of museum)، دستورالعمل‌ها، قوانین و برنامه‌هایی را در سطح بین‌المللی به تصویب می‌رساند. قوانین این شورا، براساس رسالت موزه‌ها، این نهاد فرهنگی را به ایجاد بخش‌های مختلف هم‌چون ساختار فیزیکی، ساختار حفاظتی، امکانات جانبی و تسهیلاتی و عملکرد دقیق ملزم می‌دارد (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸؛ نفیسی، ۱۳۹۱). ایجاد این بخش‌ها و رعایت قوانین مرتبط با آن در راستای عمل به اهم وظایف موزه‌ای، ضرورتی حیاتی دارند و غفلت از بخش‌های یاد شده، چالش‌هایی اساسی را در انجام مسئولیت‌های موزه به بار خواهد آورد (صادق پور فیروزآباد و همکاران، ۱۳۹۴).

به‌طور معمول، در فضاهایی که از ابتدا با هدف کابری موزه احداث می‌شوند، تمهیداتی برای رعایت استانداردهای موزه‌ای اندیشیده می‌شود؛ اما در برخی از موزه‌های کنونی دنیا که حاصل مرمت و تغییر کاربری ابنیه تاریخی هستند، رعایت کلیه شاخص‌های پیش‌گفته غیرممکن است و این وضعیت ایجاد چالش‌هایی را برای مخاطبان و آثار موزه به دنبال خواهد داشت. از منظر تاریخی، با شکل‌گیری «انجمن بین‌المللی خانه موزه‌های تاریخی» در دهه ۱۹۹۰م. با عنوان اختصاری DemHist (<http://anthropology.ir/node/15356>)، سنت تبدیل خانه‌های تاریخی به موزه، فراگیر شد و پیرو آن تعداد زیادی از این موزه‌ها در سراسر دنیا احداث شده‌اند. همگام با این روند در ایران، خانه‌ها و به‌طور کل ابنیه تاریخی فراوانی پس از مرمت و احیاء، به موزه تبدیل شده‌اند. در مازندران نیز به دلیل قدمت، غنای فرهنگی و انبوه آثار باستانی کشف شده، تعداد زیادی از این موزه‌ها ایجاد شده‌اند که بیشتر آن‌ها با عنوان موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی در حال فعالیت هستند. موزه کندلوس، موزه خانه نیما و موزه‌های مورد بررسی در این پژوهش، نمونه‌های آن به شمار می‌آیند. به دلیل رسالت خطیر موزه‌ها در عرصه فرهنگ، اهمیت تاریخی ساختمان موزه‌های حاصل از مرمت و تغییر کاربری بناهای کهن و در نهایت تجدیدنظرپذیر بودن آثار باستانی به نمایش درآمده در آن‌ها، مسأله‌یابی و بررسی چالش‌های این گونه از موزه‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

پرسش‌های پژوهش: اساسی‌ترین پرسش مطرح شده در پژوهش پیش‌رو این است که سه موزه موزه صنایع دستی ساری، موزه تاریخ آمل و موزه گنجینه بابل، به‌عنوان نمونه موزه‌های حاصل از مرمت و احیاء بناهای تاریخی در مازندران، تا

چه اندازه مطابق با استانداردهای موزه‌ای و موزه‌های استاندارد عمل می‌کنند؟ و چالش‌های اساسی این گونه از موزه‌ها کدامند؟

برای مسأله‌یابی و بررسی چالش‌های موزه‌های حاصل از مرمت و تغییر کاربری ابنیه تاریخی در مازندران، می‌توان از شیوه شاخص‌های عینی استفاده کرد. داده‌های عینی، در واقع اطلاعات دقیقی از وضعیت این گونه موزه‌ها هستند. در فرآیند تحقیقات علمی، داده‌های ذهنی اصولاً در غالب پرسشنامه جمع‌آوری می‌شود. مسأله‌یابی و تحلیل چالش‌های پیش‌روی موزه‌های مورد بررسی در این پژوهش، از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت است. تجدیدنظیر بودن آثار تاریخی، اهمیت شناخت هویت فرهنگی و ارزش معنوی میراث کهن از جمله این دلایل است. از این رو، در پژوهش حاضر تلاش شده است، ابتدا استانداردهای موزه‌ای از طریق مطالعات اسنادی پژوهش انجام شده در دنیا استخراج و مبانی نظری غنی در این زمینه ایجاد شود، سپس با اساس قرار دادن این مبانی نظری و گردآوری نظرات متخصصین از طریق پرسشنامه، به مسأله‌یابی و بررسی چالش‌های فراژوی سه موزه مورد مطالعه پرداخته شود. لازم به ذکر است، در پژوهش حاضر نامطلوب بودن ساختار فیزیکی، ساختار حفاظتی، کیفیت عملکرد و امکانات جانبی موزه‌های مورد پژوهش مفروض است؛ هم‌چنین وضعیت نامطلوب ساختار فیزیکی موزه‌های مورد پژوهش بیشترین آسیب را اشیاء به فرهنگی وارد می‌آورد.

روش پژوهش: در پژوهش حاضر که براساس هدف از نوع تحقیقات کاربردی و براساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات توصیفی است، تلاش شده، به مسأله‌یابی و بررسی چالش‌های فراژوی موزه‌های حاصل از مرمت و تغییر کاربری بناهای تاریخی در استان مازندران می‌پردازد. از میان موزه‌های موجود در این استان، سه نمونه از مهم‌ترین و معتبرترین موزه‌های آن که آثار باستان‌شناختی و مردم‌شناختی منحصربه‌فردی را به نمایش گذاشته‌اند، برای انجام این پژوهش انتخاب شدند. برای انجام این پژوهش، در ابتدا مبانی و تجارب مرتبط مورد بررسی قرار گیرد، تا از طریق مبانی به مجموعه‌ای از شاخص‌ها دست یافت. نکته مهم در فرآیند پژوهش حاضر این است که تنها به مطالعه مبانی اکتفاء نشده است، بلکه شاخص‌های منتخب در اختیار ۳۳ نفر از متخصصان دو حوزه مهم معماری و باستان‌شناسی قرار گرفته است. این جامعه آماری از آن حیث انتخاب شده است که از یک سو، ماهیت این‌گونه از موزه‌های با دو حوزه معماری و باستان‌شناسی ارتباط مستقیم دارند؛ و از سوی دیگر، متخصصان این دو حوزه بیشترین ارتباط کاری را با موزه‌های مورد پژوهش داشته‌اند. مجموعه‌ای از متغیرها در چهار بُعد ساختار فیزیکی، ساختار حفاظتی، کیفیت عملکرد و امکانات جانبی موزه‌ها شناسایی شده است، تا در اختیار متخصصان مورد نظر قرار گیرد. برای تعیین اعتبار هر یک از متغیرها، طیف لیکرت^۳ انتخاب شد که در صورت محاسبه میانگین بالاتر از ۲٫۵ آن متغیر مطلوب محسوب می‌شود. پرسشنامه‌های تدوین‌شده در اختیار ۳۳ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های مختلف با گرایش‌های معماری و باستان‌شناسی قرار داده شد و تلاش شد، متخصصانی انتخاب شوند که تا حدودی با ساختار موزه‌های استاندارد آشنایی

دارند. شیوه تکمیل پرسشنامه‌ها با استفاده از آدرس الکترونیکی بوده و اطلاعات بعد از کد گذاری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد پردازش قرار گرفته است. شیوه تحلیل داده‌ها و انتخاب آزمون آماری با استفاده از دو معیار تعیین کننده هدف پژوهش و نوع داده‌های جمع‌آوری شده بوده است که برای اعتبارسنجی نماگرها و درک وضعیت کلی هر یک از ابعاد چهارگانه، از توصیف تحلیلی توزیع فراوانی، درصد و میانگین داده بهره‌گیری شده است.

پیشینه و مبانی پژوهش

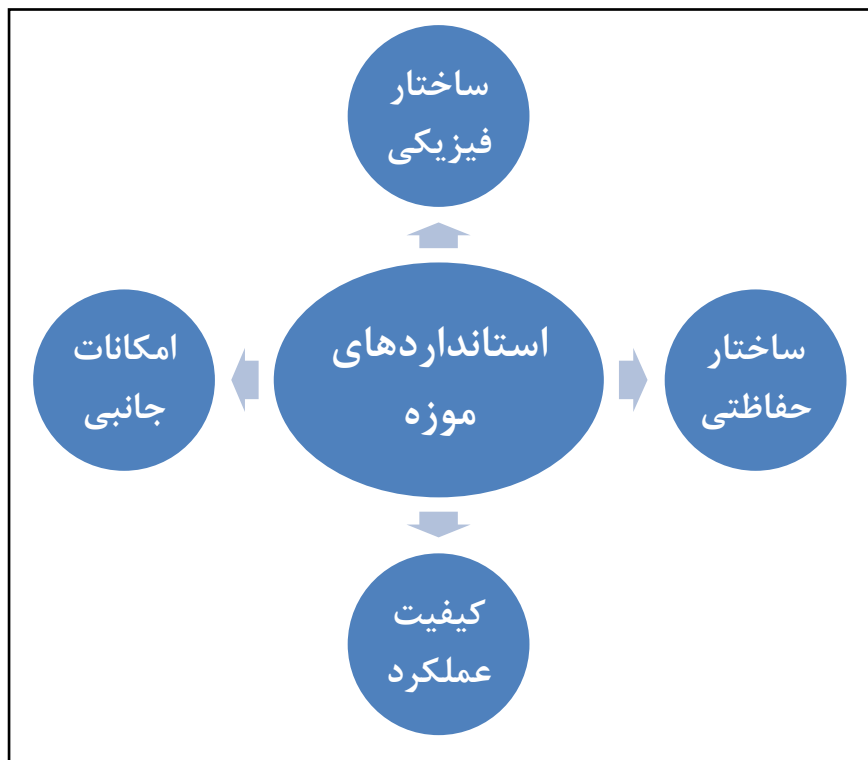
آثار مدنی و فرهنگی، نماد تراوشات ذهنی، فکری و هنری اقوام بوده و میراث فرهنگی گذشتگان محسوب می‌شود (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۴). فرهنگ هر قوم، مجموعه عوامل مرتبطی است که نحوه زندگی آن قوم را تعیین می‌کند (قرائی مقدم، ۱۳۸۲: ۵۰)؛ بنابراین، می‌توان مجموعه عوامل فرهنگی را معرف جامعه انسانی معینی قلمداد کرد (پانوف و پرن، ۱۳۸۶: ۸۷). اهمیت فراوان این بخش اکتسابی از زندگی بشر، سبب شده است، تا فرهنگ و میراث فرهنگی بشر از دیرباز، چالش مشترک میان متخصصان عرصه‌های مختلف چون مردم‌شناسی (فرید، ۱۳۸۸؛ فکوهی، ۱۳۸۵؛ روح‌الامینی، ۱۳۸۴)، باستان‌شناسی (دارک، ۱۳۸۷؛ ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲؛ Renfrew & Bahn, 2005; Hodder, 1982: a,b)، نماد و نشانه‌شناسی (دوبوکور، ۱۳۸۷؛ گیرو، ۱۳۸۷؛ هال، ۱۳۸۳)، انسان‌شناسی هنر (فکوهی، ۱۳۹۱؛ بوآس، ۱۳۹۱؛ رامین، ۱۳۸۹؛ رفیع‌فر، ۱۳۸۱)، موزه‌داری (نفیسی، ۱۳۹۱؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸) و... به حساب آید.

مهم‌ترین تلاش تمامی متخصصان این عرصه‌ها، شناسایی، معرفی و نمایش عوامل فرهنگی به منظور بهره‌برداری از منافع معنوی میراث بشری بوده است (صادق پورفیروزآباد و همکاران، ۱۳۹۴). اما زبان و بیان مطالعات بی‌شماری که از سوی متخصصان عرصه‌های یاد شده، در زمینه معرفی میراث فرهنگی انسان منتشر شده است، قابل تطبیق با دانش عمومی مردم نبوده و توان بهره‌وری معنوی برای عموم مردم امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، شاید موزه، تنها نهادی باشد که در آن، برقراری ارتباط مستقیم با انبوه آثار فرهنگی از سوی عموم مردم، امکان‌پذیر است (نفیسی، ۱۳۹۱؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸). تأسیس موزه‌های متناسب با علایق مختلف، با نام‌هایی چون: «موزه‌های باستان‌شناسی»، «موزه‌های مردم‌شناسی»، «موزه‌های هنری» و... (صادق پورفیروزآباد و همکاران، ۱۳۹۴) مؤید همین نظر است.

برای نهاد موزه به عنوان خط مقدم نمایش آثار فرهنگی (نفیسی، ۱۳۹۱) شرایط و ویژگی‌هایی مترتب است، که در آن دو نکته بسیار اساسی نهفته است؛ اول، ایجاد محیطی که در آن به بهترین وجه، وظایف تعیین شده این نهاد فرهنگی از سوی شورای بین‌المللی موزه‌ها، اجرایی شود (چشمه‌نور، ۱۳۹۵؛ صادق پورفیروزآباد و همکاران، ۱۳۹۴). دوم، ایجاد امکانات و تسهیلاتی که بهره‌وری معنوی و مادی بازدیدکنندگان را از آثار فرهنگی تسهیل و آسایش و امنیت آنان را تأمین کند (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸).

ساختار و تأمین فضای فیزیکی موزه براساس رسالت آن، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در دانش موزه‌داری است. اعمال دقت و حساسیت در این بخش، موجب انگیختگی علایق مخاطبان هوشمند در بازدید از موزه‌ها می‌شود (Stock et al., 2007)؛ بنابراین، در نظر گرفتن بخش‌های نمایشی (Elings & Garcelon, 2000)؛ (Blackaby & Sandore, 1997)، آموزشی (Lepouras, et al., 2004)، پژوهشی و بایگانی اسناد به دلیل اهمیت نگه‌داری و حفظ دانش اجتماعی و انتقال آن به نسل‌های آینده (Novati, 2005; Morse, 2000) و استفاده از امکانات مدرن (Hong et al., 2005 & Cheape, 2010) مهم‌ترین دغدغه‌های این بخش قلمداد می‌گردد. با توجه به تجدیدنظری آثار فرهنگی، حفاظت از اشیاء موزه‌ای در هنگام نگه‌داری و نمایش، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از این رو، تنظیم شرایط محیطی موزه، مانند: درجه حرارت، رطوبت، نور، مهار فعالیت مخرب حشرات و قارچ‌ها (Oikawa et al., 2006)، جلوگیری از تأثیرات منفی ترکیبات آلی تبخیر شده از مواد مختلف در محیط موزه (Oikawa et al., 2005)، متوقف کردن فعالیت جانداران میکروسکوپی مخرب (Niesler et al., 2010)، آب‌بندی کردن گالری‌ها، عدم استفاده از رنگ و روغن در محیط موزه و استفاده از مواد خشک‌کننده مانند: سیلیکاژل و کربنات پتاسیم (Robens, & Kiefer, 2010; Reddy et al., 2004) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هم‌چنین ارائه خدمات علمی و فرهنگی از دیگر موضوعات مهم در موزه‌داری محسوب می‌شود؛ بنابراین، رسیدگی به عموم مردم و یافتن راه‌هایی برای پاسخ‌گویی به نیازها و علایق جامعه (Rayward & Twidale, 2000)، ارائه خدمات فرهنگی و آموزشی به آموزگاران (Adams, 2007) و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان (St. John & Perry, 1993; Branch & Meikle, 2012) نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درنهایت، ایجاد امکانات رفاهی، مانند: فضای سبز، پارکینگ تومبیل و کافه‌تیریا از جمله امکانات جانبی، اما ضروری موزه‌های امروزی قلمداد می‌شود (میرعزیزی و همکاران، ۱۳۹۴) که بر علاقه مخاطبان به بازدید مجدد از موزه و تبلیغ برای سایر علاقه‌مندان، اثر مثبت می‌گذارد.

استانداردهای موزه‌ای مطرح‌شده در ادبیات نظری، سیمای روشنی از شاخص‌های ساختاری، فنی و تسهیلاتی موردنیاز موزه‌ها را بازتاب می‌دهند (چشمه‌نور، ۱۳۹۵). با مقایسه و تطبیق استانداردهای یادشده با وضعیت موجود در موزه صنایع‌دستی ساری، موزه باستان‌شناسی و تاریخ آمل و موزه گنجینه بابل، می‌توان به تحلیل چالش‌های فراژوی این موزه‌ها پرداخت. پژوهشگران با طرح شاخص‌های چهارگانه ساختار فیزیکی، ساختار حفاظتی، کیفیت عملکرد و امکانات جانبی و رفاهی، معتقدند از این رهیافت می‌توان، به مسأله‌یابی و واکاوی چالش‌های پیش‌روی موزه‌های مورد بررسی از دو جایگاه؛ نخست، به عنوان بنای تاریخی ارزشمند؛ و دوم، به عنوان مکانی برای ساختمان موزه، پرداخت و مشکلات احتمالی که سلامت آثار فرهنگی، تمایل گردشگران به بازدید و رونق فرهنگی این موزه‌ها را تهدید می‌کند، تبیین کرد (شکل ۱).



شکل ۱. شاخص‌های چهارگانه استاندارد‌های موزه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۹). ◀

معرفی موزه‌های مورد پژوهش

موزه خانه کلبادی: این موزه در مرکز شهرساری و در محله آب‌انبار نو قرار دارد (تصاویر ۱ و ۲). این بنا با قدمت ۱۳۰ سال، از دو بخش اندرونی و بیرونی تشکیل شده و مصالح آن آجر، قلوه‌سنگ و شفته‌آهک در پی بنا و آجر و ملات آهک در دیوارهای باربر آن است. سقف بنا خریشته‌ای و با بام‌پوش‌های سفالی پوشیده شده است. این بنا در سال ۱۳۷۰ ه.ش. به‌عنوان دفتر میراث‌فرهنگی ساری در اختیار دولت قرار گرفته است. بنا در بین سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ مرمت شد و در سال ۱۳۸۷ به موزه تبدیل شد. در حال حاضر از سه اتاق طبقه پایین به‌عنوان موزه صنایع‌دستی استفاده می‌شود. آثار موجود در اتاق اول، متعلق به دوران معاصر؛ در اتاق دوم، البسه، جاجیم، گلیم و...؛ و در اتاق سوم، وسایل چوبی نظیر صندوق چوبی مخصوص البسه، دونه‌پاچ (نوعی سینی)، کلز و جوله (پیمانه و جای شیر) و... نگه‌داری می‌شود. هم‌چنین از اتاق‌های طبقه بالا به‌عنوان موزه باستان‌شناسی استفاده می‌شود. عودسوز، آبریز ناودانی، ظرف سفالی خاکستری (عصرآهن)، نمونه‌های مختلف آلات ضرب و شکار (عصرآهن II)، کاسه سفالی لعاب‌دار (ساسانی)، مشربه شیشه‌ای (اوایل اسلام) و... از آثار موجود در این اتاق‌ها هستند (مصاحبه شونده: «حمید علیزاده‌مقدم» کارشناس میراث‌فرهنگی).

موزه تاریخ آمل: این بنا در سال ۱۳۱۵ ه.ش. به‌عنوان اداره مالیات تأسیس شد (تصاویر ۳ و ۴). بنای یاد شده بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ مرمت شد و در سال ۱۳۸۹ با کاربری موزه فعالیت خود را آغاز نمود. مصالح به‌کار رفته با استفاده از آجر، قلوه‌سنگ، ملات آهک و... است. ساختمان در ۳ طبقه، یعنی زیرزمین، طبقه



► تصویر ۱. موزه صنایع دستی ساری (fa).
.(wikipedia.org)



► تصویر ۲. اشیاء موزه صنایع دستی ساری (fa).
.(wikipedia.org)

همکف و طبقه اول، بنا شده است؛ که تالار نمایش مردم‌شناسی در طبقه همکف و تالار نمایش آثار باستان‌شناسی در طبقه اول قرار دارد. نوع موزه، تاریخی و هدف اصلی آن ترویج فرهنگ بازدید از موزه‌ها و نمایش غنای فرهنگی و باستان‌شناختی استان به خصوص شهرستان آمل است (مصاحبه شونده: «حمید علیزاده مقدم» کارشناس میراث فرهنگی).

موزه گنجینه بابل: ساختمان موزه در سال ۱۳۰۷ ه.ق. به عنوان بلدیۀ شهر بابل با مصالح: ماسه، آهک، سیمان، بلوک سنگ، آجر و چوب در دو طبقه و با زیرزمینی وسیع بنا شد (تصاویر ۵ و ۶). این بنا در سال ۱۳۷۵ با تعمیرات و بازپیرایی اساسی تبدیل به موزه شد. ساختمان با ویژگی‌های خاص معماری دوره پهلوی اول با: سقفی رفیع، پنجره‌های بلند، بامی شیروانی‌شکل، و پوشش حلبی است و

تصاویر ۳. موزه تاریخ آمل (fa.wikipedia.org).



نورگیر گنبدی شکلی در بالای این بام تعبیه شده که کار تهویه زیر شیروانی را انجام می‌دهد. این موزه از نوع تاریخی و هدف اصلی آن معرفی آثار و ابزار آلات عصر مفرغ، آهن، دوره ی اسلامی در بخش‌های باستان‌شناسی، مردم‌شناسی می‌باشد. بیشتر آثار موجود از مناطقی چون گوهر تپه بهشهر، تورنگ تپه گرگان، گورستان لفورک سوادکوه به دست آمده است (مصاحبه شونده: «مجتبی صفری» کارشناس ارشد میراث فرهنگی).

یافته‌های تحقیق

توصیف جامعه آماری

با توجه به ماهیت موزه‌های حاصل از مرمت و تغییر کاربری بناهای تاریخی، که



تصاویر ۴. اشیاء موزه تاریخ آمل (fa.wikipedia.org).

► تصویر ۵. موزه بابل (fa.wikipedia.org).



▲ تصاویر ۵. موزه بابل (fa.wikipedia.org).



با دو حوزه معماری و باستان‌شناسی مرتبط است، ۳۳ نفر متخصص و صاحب‌نظر از دو گروه معماری و باستان‌شناسی به‌عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر انتخاب شده‌اند. ۷۰٪ از جامعه آماری را مردان و ۳۰٪ را زنان شکل داده‌اند که میانگین سنی آن‌ها ۳۱ سال است. از این تعداد، ۲۴٪ دارای مدرک دکترای تخصصی، ۷۰٪ کارشناسی ارشد و ۶٪ دارای مدرک کارشناسی بوده‌اند. هم‌چنین از میان آن‌ها، ۸۵٪ متخصص معماری و ۱۵٪ متخصص باستان‌شناسی، با میانگین سابقه پژوهشی ۶ سال بوده است. جدول ۱، ویژگی‌های فردی و تخصصی پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد.

► جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد خصوصیات فردی جامعه آماری (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ویژگی	تنوع	میانگین درصد
تحصیلات	کارشناسی	۶
	کارشناسی ارشد	۷۰
	دکتر	۲۴
تخصص	باستان‌شناسی	۱۵
	معماری	۸۵
میانگین سن		۳۱
جنس	مرد	۷۰
	زن	۳۰
میانگین سابقه پژوهش		۶

ارزیابی وضعیت ساختار فیزیکی موزه‌های مورد پژوهش

ساختار فیزیکی موزه، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش‌هایی است که رعایت استانداردهای لازم در آن، به عملکرد صحیح تعریف شده از سوی ایکوم کمک خواهد کرد. معیارهای ۸ گانه این شاخص که براساس استانداردهای موزه‌ای استخراج شده است، نشان می‌دهند که موزه‌های مورد مطالعه از منظر ساختار فیزیکی وضعیت نامطلوبی دارند. «وجود سالن نمایش استاندارد»، جهت نمایش آثار فرهنگی تجدیدناپذیر یکی از مهم‌ترین معیارها در شاخص ساختار فیزیکی موزه‌هاست که در پژوهش حاضر میانگین ۲ را به خود اختصاص داده و کمتر از میانۀ مطلوب، یعنی عدد ۳ است. این امر حاکی از شرایط نامطلوب سالن نمایش در موزه‌های مورد پژوهش است. هم‌چنین دو معیار «سالن همایش و کنفرانس» و «واحد سمعی بصری» میانگین ۱ را کسب کرده‌اند. این نشان می‌دهد که هیچ برنامه‌ای برای دو معیار یاد شده تدوین نشده است، در صورتی که وجود امکانات استاندارد مرتبط با این دو معیار، یکی از مهم‌ترین بخش‌های ساختاری موزه‌ها قلمداد می‌شود. در این معیار، تنها دو شاخص «تناسب ساختار بنا و عملکرد موزه‌ها» و «تناسب ویتربین اشیاء با استانداردهای موجود» به ترتیب با میانگین ۲٫۵۵ و ۲٫۴۵ بالاترین امتیاز را کسب کرده‌اند؛ اما این دو معیار هم با توجه به میانۀ مطلوب ۳، امتیاز لازم را کسب نکرده‌اند که این امر نشان‌دهنده فاصله این دو معیار از استانداردهای لازم می‌باشد. بدین ترتیب ۱۰۰٪ شاخص‌های مرتبط با معیار ساختار فیزیکی، فاقد استانداردهای لازم هستند (جدول ۲). درخصوص یافته‌های یاد شده باید اذعان داشت که مخاطبان و بازدیدکنندگان از موزه همواره حاصل فعالیت‌های موزه‌ای را از طریق سالن نمایش و دریافت خدمات در فضاهای تعریف شده درک می‌کنند. از طرفی ادراکات گردشگران از کیفیت خدمات و فضاهای خدماتی یکی از مهم‌ترین نشانگرهای موفقیت فعالیت موزه‌داران محسوب می‌شود؛ از این رو، ایجاد تعادل میان نگرش‌ها و ادراکات بازدیدکنندگان از خدمات موزه‌ای، بسترها و فضاهای فیزیکی مناسبی را طلب می‌کند که عموماً موزه‌های حاصل از مرمت و تغییر کاربری خانه‌های سنتی این امکان را فراهم نمی‌آورند. در این میان، سالن نمایش به‌عنوان خط مقدم نمایش فعالیت‌های موزه‌ای، از منظر کمی و کیفی از اهمیت بالایی برخوردار است. استاندارد بودن سالن نمایش به عوامل مختلفی هم‌چون: تم موزه، مخاطبان، تنوع و تعدد آثار موزه‌ای از منظر گاهنگاری و مواد فرهنگی و... بستگی نام دارد که اجتماع همه این عوامل در بنایی تاریخی با کاربری متفاوت تقریباً غیرممکن است.

ارزیابی وضعیت ساختار حفاظتی موزه‌های مورد پژوهش

با توجه به ماهیت تجدیدناپذیر اشیاء فرهنگی، شاخص ساختار حفاظتی موزه‌ها، به‌طور قطع مهم‌ترین شاخص ارزیابی استانداردهای موزه‌ای است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهند که تقریباً ۴۰٪ معیارهای این شاخص در موزه‌های مورد مطالعه نامطلوب گزارش شده‌اند و ۶۰٪ باقی‌مانده از میان شاخص‌های این معیار برابر

جدول ۲. ارزیابی وضعیت ساختار فیزیکی موزه‌های مورد پژوهش نتایج مستخرج از پرسشنامه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ردیف	شاخص‌ها	کاملاً موافق	موافق	تقریباً موافق	معتدل	کاملاً مخالف	میانگین	نوعی
۱	ساختار بنا با عملکرد موزه، تناسب کامل دارد.	۰	۰	۵۳٫۵	۳۵٫۵	۰	۲۴٫۵	نامطلوب
۲	سالن نمایش موزه تناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۷	نامطلوب
۳	کارگاه مرمت اکتیاه در موزه، تناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۰	۰	۳۶	۶۴	۱۳٫۶	نامطلوب
۴	ویترین‌های موزه، تناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۰	۳۵٫۵	۵۳٫۵	۰	۲۴٫۵	نامطلوب
۵	سالن همایش و کنفرانس موزه، تناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۶	نامطلوب
۶	مخزن نگهداری اکتیاه موزه، تناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۰	۰	۳۵٫۵	۵۳٫۵	۱۴٫۵	نامطلوب
۷	واحد سمعی و بصری موزه، تناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۶	نامطلوب
۸	سالن پژوهشی و کتابخانه موزه، تناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۰	۰	۳۵٫۵	۵۳٫۵	۱۴٫۵	نامطلوب

با میانۀ مطلوب، یعنی عدد ۳ و یا اندکی از آن بیشتر هستند. بدیهی‌ست هرچه امتیاز معیارها از میانۀ مطلوب به سمت عدد ۵ حرکت کند، میزان مطلوبیت این معیارها هم بیشتر خواهد شد. در این معیار، شاخص‌های چون: «سیستم تهویه» و «دمای موزه» به ترتیب با میانگین ۳٫۵۵ و ۳٫۳۹ در وضعیت بهتری به سر می‌برند و شاخص‌هایی چون: «مهار آلودگی‌های صوتی»، «تنظیم دما» و «تنظیم رطوبت با کسب میانگین ۳، درست با میانۀ مطلوب برابر هستند. سایر شاخص‌ها نیز مطلوب گزارش نشده‌اند. با توجه به میانگین معیارهای این شاخص و اهمیت این شاخص در حوزه علم موزه‌داری، تجدید نظر و ارتقاء این شاخص‌ها بسیار ضروری می‌نماید. در رابطه با نتایج آماری در این بخش می‌توان گفت که موزه در واقع محل نگه‌داری آثار منحصربه‌فرد و تجدیدنپذیر است. حساسیت‌های حفاظتی، به ویژه در خصوص موزه‌های باستان‌شناختی تامل برانگیزتر است؛ زیرا کاوش و استخراج آثار تاریخی در واقع به نوعی برهم‌زدن ثبات شرایط حفاظتی اشیاء در دل خاک محسوب می‌شود که طی سده‌ها و هزاره‌ها با دما، رطوبت، نور و... بستر خود سازگاری یافته‌اند. از منظر عقلانی حفاظت از آثار تاریخی بر نمایش آن‌ها ارجحیت دارد و شاید بتوان با صراحت اعلام کرد که بازبینی در تعییر کاربری این‌گونه از موزه‌ها و اختصاص آن‌ها به موزه‌هایی غیر از موزه‌های باستان‌شناختی امری حیاتی محسوب می‌شود.

ارزیابی کیفیت عملکرد موزه‌های مورد پژوهش

یکی دیگر از ارکان اصلی موزه، کیفیت عملکرد این نهاد است. ارائه دقیق اطلاعات فرهنگی به نحوی که سلسله فرآیندی در مخاطب ایجاد کند تا از دیدن آثار فرهنگی به استنتاج درباره این آثار ختم شود، از مهم‌ترین وظایف عملکردی نهاد موزه است. در واقع عملکرد موزه‌ها، آخرین مرحله از مسئولیت تخصصی این نهاد است که بیشترین تأثیر را در یاد مخاطب می‌گذارد. به این منظور، معیارهایی برای این

جدول ۳. ارزیابی وضعیت ساختار حفاظتی موزه‌های مورد پژوهش نتایج مستخرج از پرسشنامه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ردیف	شاخص‌ها	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	میانگین	وضعیت
۱	موزه از تأثیر مخرب آلودگی‌های هوا در امان است.	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۲	نامطلوب
۲	موزه از تأثیر مخرب آلودگی‌های صوتی در امان است.	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۳	مطلوب
۳	موزه از تأثیر مخرب آلودگی‌های ترافیک شهری در امان است.	۰	۰	۴۸٫۵	۵۱٫۵	۰	۲٫۴۸	نامطلوب
۴	در موزه، فعالیت جانداران میکروسکوپی کنترل شده است.	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۲	نامطلوب
۵	نور موزه، مناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۳	مطلوب
۶	دمای موزه مناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۴۲	۵۵	۳	۰	۳٫۳۹	مطلوب
۷	رطوبت موزه، مناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۰	۶۷	۳۳	۰	۲٫۶۷	نامطلوب
۸	در موزه از موادی مانند سیلیکاژل برای جلوگیری از رطوبت استفاده می‌شود.	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۳	مطلوب
۹	سیستم تهویه موزه، مناسب و مطابق با استانداردها است.	۰	۵۴٫۵	۴۵٫۵	۰	۰	۳٫۵۵	مطلوب
۱۰	به ظرفیت تحمل موزه در پذیرش مخاطب توجه شده است.	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۳	مطلوب

شاخص طرح شده است که دقت نظر در انجام صحیح آن‌ها بسیار ضروری است. تقریباً ۷۰٪ شاخص‌های این معیار میانگینی معادل یا بیشتر از میانۀ مطلوب کسب کرده‌اند که این امر نشانه‌های خوبی را منعکس می‌کند. در این میان، شاخص‌هایی چون: «متخصص بودن راهنمایان موزه» و «برخورد راهنمایان موزه» با کسب میانگین ۴ در وضعیت مناسب و مطلوبی قرار دارند. اما دو معیار «امکانات متناسب با گروه سنی کودکان» و «امکانات متناسب با شرایط معلولین» به ترتیب با میانگین ۱٫۶۷ و ۱، در بدترین وضعیت قرار دارند که این در جای خود نقص بسیار بزرگی است؛ به‌ویژه عدم توجه به امکانات متناسب کودکان در امور موزه‌ای، به دلیل اهمیت فرهنگ‌سازی برای این گروه سنی، تبعات منفی بیشتری را به بار خواهد آورد. در این رابطه نیز مشاهدات میدانی نشانگر نواقص متعددی است؛ به عنوان مثال، ساختار موزه‌هایی از این دست، با شعار-تعلق فرهنگ بشری به همگان و استفاده همگانی از خدماتی فرهنگی موزه- منافات دارد. در کنار اهمیت فراوان خدمات‌دهی به معلولین، جایگاه تکرارناپذیر فرهنگ‌سازی برای کودکان است که به طور کلی در همه موزه‌ها و به طور خاص و چشمگیر در موزه‌های مورد مطالعه در این پژوهش قابل مشاهده است. برگزاری کلاس‌های آموزشی در موزه‌ها از دهه‌های قبل در کشورهای توسعه‌یافته به سنتی مقبول بدل شده است. رسالت موزه، آموزش و فرهنگ‌سازی است و به هیچ عنوان نواقصی که مانع انجام رسالت فرهنگی و آموزشی این نهاد است، قابل پذیرش نیست. در واقع باید این‌گونه اذعان کرد که اجرای ناقص شیوه‌ای از طراحی که موزه را رسالت موزه دور می‌کند، از منظر فرهنگی مطلوب نیست.

جدول ۵. ارزیابی کیفیت عملکرد موزه‌های مورد پژوهش نتایج مستخرج از پرسشنامه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ردیف	شاخص‌ها	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	میانگین	وضعیت
۱	ساعت کار موزه دقیق است.	۰	۷۰	۳۰	۰	۰	۳,۷	مطلوب
۲	راهنمایان موزه متخصص هستند.	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۴	مطلوب
۳	موزه دارای مخاطب زیادی است.	۰	۰	۰	۳۰	۷۰	۱,۳	نامطلوب
۴	اشیاء موزه دارای اتیکیته دو زبانه هستند.	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۳	مطلوب
۵	برخورد کارکنان موزه با مخاطبان مناسب است.	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۴	مطلوب
۶	عملکرد موزه به استانداردهای روز دنیا نزدیک است.	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱	مطلوب
۷	در موزه تمهیداتی برای ارائه خدمات فرهنگی به کودکان اندیشیده شده است.	۰	۰	۰	۰	۰	۱,۶۷	نامطلوب
۸	در موزه تمهیداتی برای ارائه خدمات فرهنگی به معلولین اندیشیده شده است.	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱	نامطلوب
۹	تصاویر اشیاء موزه‌ای تهیه شده و قابل ارائه به متقاضیان است.	۰	۷۰	۳۰	۰	۰	۳,۷	مطلوب
۱۰	برای اطلاع‌رسانی بهتر بروشورهایی تهیه شده و به بازدیدکننده ارائه می‌شود.	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۴	مطلوب
۱۱	ترتیب قرارگیری اشیاء براساس استانداردهای موجود دنیاست.	۰	۷۹	۲۱	۰	۰	۳,۷۹	مطلوب
۱۲	موزه از تمام توان خود در ارائه خدمات فرهنگی به مخاطب استفاده کرده است.	۰	۴۲	۵۸	۰	۰	۳,۴۲	مطلوب

ارزیابی کیفیت امکانات جانبی موزه‌های مورد پژوهش

کیفیت امکانات جانبی موزه در کنار سه شاخص پیش‌گفته، شاخص مهم دیگری است که در واقع عملکرد موزه را کامل می‌کند؛ اگرچه این شاخص به اندازه سه شاخص قبلی با ساختار فنی موزه‌ها مرتبط نیست، اما در جای خود بسیار مهم است و لحاظ کردن آن‌ها در موزه، به نوعی به تبلیغات برای بازدید از موزه و اشاعه فرهنگ از سوی مخاطبان می‌انجامد. متأسفانه معیارهای این شاخص نیز در وضعیت مطلوبی قرار ندارند؛ اگرچه ۵۰٪ معیارهای این شاخص با میانگین مطلوب برابر هستند، اما درصد مطلوبیت آن‌ها پایین بوده و وضعیت شکننده‌ای دارند. میانگین کسب شده ۵۰٪ دیگر از معیارهای شاخص که معادل با ۱ یا اندکی از آن بیشتر است، نشان می‌دهد، برای این شاخص‌های مهم هیچ‌گونه تمهیداتی اندیشیده نشده است؛ به عنوان مثال، معیار «وجود پارکینک اتومبیل در کنار موزه» یکی از مهم‌ترین معیارها در شاخص امکانات جانبی است که نبودن آن احتمال خارج شدن بازدید موزه را از برنامه مخاطبان افزایش می‌دهد و این امر با اهداف فرهنگی نهاد موزه در تقابل است. در رابطه با یافته‌های پیشین، باید گفت که ترکیب یادگیری و سرگرمی دهه‌هاست که در کشورهای پیشرفته به سنتی پرکاربرد بدل شده و به استناد کتاب بازاریابی پایدار گردشگری فرهنگی و میراث، «دیپک چیرا» (۲۰۱۰) معتقد است، درهمین رابطه واژه آموزش-سرگرمی (Edutainment) خلق شده است که به اهمیت استراحت و تفریح حین آموزش می‌پردازد. مؤلف در این کتاب اذعان می‌کند، ترکیب این دو فعالیت تا جایی برای متولیان موزه اهمیت دارد که جدایی سرگرمی و آموزش و مرز ورود از سرگرمی به آموزش قابل بازشناسی نیست؛ بنابراین، استراحت در زمان

جدول ۵. ارزیابی کیفیت امکانات جانبی موزه‌های مورد پژوهش نتایج مستخرج از پرسشنامه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ردیف	شاخص‌ها	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	میانگین	وضعیت
۱	دسترسی به موزه به راحتی امکان پذیر است.	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۲	نامطلوب
۲	پارکینگ اتومبیل موزه، مناسب است.	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱	نامطلوب
۳	فضای سبز موزه، مناسب است.	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۳	مطلوب
۴	نیمکت‌ها برای استراحت بازدیدکنندگان مناسب است.	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۳	مطلوب
۵	کافی تریا موزه با هدف رفاه بازدیدکنندگان مناسب است.	۰	۰	۰	۵۸	۴۲	۱,۵۸	نامطلوب
۶	سیروس بهداشتی از منظر تعداد، نوع و کیفیت با بازدیدکنندگان تناسب دارد.	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۳	مطلوب

بازدید از موزه و آوزه‌های فرهنگی، امری حیاتی است که بسترهای آن در موزه‌های مورد بررسی مغفول مانده است.

تحلیل وضعیت نهایی هر یک از ابعاد چهارگانه از دیدگاه متخصصان

به منظور درک وضعیت شاخص‌های تدوین شده براساس دیدگاه متخصصان، باید گفت، تمامی ابعاد چهارگانه در موقعیت نامطلوبی قرار دارند. نتایج آزمون تی^۴ نشان می‌دهد، میانگین محاسبه شده برای متغیرهای بعد ساختار فیزیکی برابر ۱۳,۰۷ است که در مقایسه با میانگین مطلوب، یعنی عدد ۱۴,۲۵۱ میزان پایین تری را نشان می‌دهد؛ هم‌چنین، سطح معناداری محاسبه شده (۰,۰۰۰) بیانگر توافق ذهنی معنادار در بین جامعه پاسخگو است. تفاوت بسیار زیاد میانگین این شاخص از میانگین مطلوب آن، نشان می‌دهد، معیارهای این شاخص وضعیت نامطلوب تری نسبت به سه شاخص دیگر دارند و این امر احتمال وارد کردن آسیب‌های بیشتری به آثار تاریخی را افزایش می‌دهد. در ارتباط با متغیرهای ساختار حفاظتی هم، مقایسه میانگین مطلوب با میانگین محاسبه شده نشان می‌دهد که متغیرهای تدوین شده، اعتبار لازم برای سنجش در منطقه مورد مطالعه را دارد. اما متغیرهای تدوین شده در زمینه کیفیت عملکرد، میانگین ۳۵,۱۳ را کسب کرده‌اند و در مقایسه با میانگین مطلوب ۳۵,۰۸۵ در وضعیت مطلوب تری قرار دارند که البته این سطح مطلوبیت، پایین است و باید معیارهای این شاخص را ارتقاء بخشید. در بین متغیرهای مرتبط با بخش امکانات جانبی نیز پایین بودن میانگین متغیرها نسبت به میانگین مطلوب، نشانگر وجود چالش‌های اساسی در این بخش است (جدول ۶). با توجه به نتایج حاصل شده در این بخش، وضعیت ساختاری موزه چالش‌های فرازوی آن مستقیماً با مخاطبان و بازدیدکنندگان در ارتباط است. درحقیقت رفع این مشکل عملاً امکان پذیر نیست؛ زیرا امکان تغییر اساسی در ساختار فیزیکی بناهای تاریخی با هدف ایجاد تناسب با نیازمندی‌های کاربری موزه وجود ندارد. در این راستا تخصیص کاربری متناسب با ساختار بناهای تاریخی از عقلانیت بیشتری برخوردار است.

جدول ۶. تحلیل وضعیت نهایی هر یک از ابعاد ۴ گانه از دیدگاه متخصصان نتایج مستخرج از پرسشنامه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شاخص‌ها	تعداد	میانگین کل	ارزش تی	انحراف معیار	خطای استاندارد	سطح معناداری	با ۹۵٪ اطمینان	
							حد پایین	حد بالا
ساختار فیزیکی	۳۲	۱۳,۰۷	۳۲	۱,۲۳۲	۰.۲۱۴	۰.۰۰۰	۱۳,۶۴	۱۴,۷۹
ساختار حفاظتی	۳۲	۲۷,۸۵	۴۰	۸۷۹.	۰.۱۵۳	۰.۰۰۰	۲۷,۵۱	۲۸,۴۶
کیفیت عملکرد	۳۲	۳۵,۰۳	۴۸	۱,۲۲۶	۰.۲۱۳	۰.۰۰۰	۳۴,۶۸	۳۵,۵۹
امکانات جانبی	۳۲	۱۳,۵۱	۲۴	۵۰۲.	۰.۸۷	۰.۰۰۰	۱۳,۵۸	۱۳,۷۰

نتیجه‌گیری

موزه‌ها در دنیای در حال تغییر اطراف ما، رسالت خطیری در چرخهٔ احیاء و نشر فرهنگ ملت‌ها دارند. علاوه بر موزه‌های استاندارد ساخته شده در ایران، موزه‌هایی وجود دارند که از مرمت و تغییر کاربری بناهای تاریخی ایجاد شده‌اند. امروزه مرمت و تغییر کاربری بناهای تاریخی به منظور حفظ و احیاء آن‌ها امری مقبول و فراگیر است، اما برای رعایت استانداردها مطابق با تعاریف ایکوم، انجام محاسبات علمی و اجرای آن در تغییر کاربری این‌گونه از بناها و تبدیل آن‌ها به موزه از اهمیت بالایی برخوردار است. شورای بین‌المللی موزه‌ها اهم وظایف و رسالت‌ها موزه‌ها را در اساسنامهٔ خود تبیین کرده و به موزه‌داران و متصدیان امور فرهنگی ابلاغ است. براساس سیاست‌گذاری‌های این شورا، جمع‌آوری، حفظ و نگه‌داری، احیاء، نمایش و بهره‌وری عمومی از میراث فرهنگی، مهم‌ترین وظایف موزه‌ها به‌شمار می‌آیند. قاعدتاً برای برآوردن این وظایف خطیر، مکانی مناسب با ساختاری متناسب الزامی است. در نهاد موزه، باید استانداردهایی در ابعاد مختلف هم‌چون: الف) ساختار فیزیکی؛ ب) ساختار حفاظتی؛ ج) کیفیت ارائهٔ خدمات فرهنگی؛ و د) امکانات جانبی و رفاهی برای مخاطبان در نظر گرفته شود. به دلیل تجدیدنظیر بودن آثار فرهنگی، اهمیت نگه‌داری، احیاء و بهره‌وری معنوی از میراث فرهنگی و درنهایت ارج نهادن به مخاطبان و احترام به شخصیت‌ها و سلايق انسانی، رعایت استانداردهای یاد شده از سوی موزه‌داران و متصدیان موزه الزامی است.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند، از میان چهار معیار برای ارزیابی میزان تطبیق سه مؤزّه مورد پژوهش با استانداردهای موزه‌ای، سه معیار نامطلوب گزارش شده‌اند و تنها معیار کیفیت عملکرد موزه‌ها بیشترین امتیاز و میانگین را کسب نموده است؛ البته، میزان مطلوبیت معیارهای آن شکننده بوده و باید ارتقاء یابند. هم‌چنین شاخص ساختار فیزیکی از میان شاخص‌های چهارگانه، کمترین مطلوبیت را کسب کرده و ۱۰۰٪ معیارهای آن نامطلوب گزارش شده است. این امر نشان‌دهندهٔ عدم تناسب ساختار فیزیکی موزه با ساختار فیزیکی بناهای تاریخی یاد شده و فراخور آن تحمیل بیشترین آسیب‌ها به آثار فرهنگی از سوی این شاخص است.

براساس نتیجهٔ پژوهش می‌توان گفت، نکتهٔ مهم در احداث این‌گونه از موزه‌ها، تناسب کاربری جدید با فضاهای موجود در بناهای تاریخی است. مغفول ماندن

برخی از قواعد ساختاری در تبدیل این بناها به موزه، با توجه به اهمیت و اصالت بناهای تاریخی از یک سو، و تجدیدنپذیری آثار باستانی نگه‌داری شده در آن از سوی دیگر، آسیب‌های فرهنگی جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد؛ زیرا بسیاری از این بناها، در گذشته‌های دور با کاربری‌های خاصی ایجاد شده‌اند و ساختار فیزیکی و سایر امکانات آن تناسبی با موزه ندارد؛ البته در این‌گونه از تغییر کاربری‌ها که دو منظوره بوده و برای احیاء بناهای تاریخی و استفاده فرهنگی از آن‌ها صورت می‌گیرد، قدری تسامح لازم است. اما ماهیت اشیاء موزه‌ای به‌عنوان آثار فرهنگی تجدیدنپذیر بشر، به هیچ‌وجه تسامح را بر نمی‌تابد؛ از سویی دیگر، احترام به اوقات فراغت مخاطبان و ایجاد شرایطی برای استفاده بهینه از وقت در بازدید از موزه‌ها را نیز نباید نادیده انگاشت.

براساس نتایج پژوهش مواردی به‌منظور ساماندهی این موزه‌ها، رساندن معیارهای مطالعه شده به سطحی مطلوب و بهره‌برداری بهینه از آن‌ها پیشنهاد می‌شود.

- دقت نظر در تغییر کاربری بناهای تاریخی با رویکرد ایجاد تناسب منطقی میان کارکرد جدید و فضاهای کهن موجود در بنا.
- ایجاد ویتترین‌های مناسب برای نگه‌داری اشیاء با هدف حفاظت از میراث فرهنگی.
- ارتقاء وضعیت حفاظتی موزه در مقابل رطوبت منطقه و مجهز کردن همه ویتترین‌ها به مواد رطوبت‌زدا.
- تلاش فراوان در تأمین نور متناسب با جنس آثار باستانی.
- مبارزه با فعالیت جانداران میکروسکوپی، مانند: قارچ‌ها و کپک‌ها با توجه به اقلیم نمود منطقه.
- ارتقاء وضعیت اطلاع‌رسانی به مخاطبان و دو زبانه کردن همه اکتیوها.
- جذب نیروی کارآمد با هدف ارتقاء کیفیت تخصصی موزه‌ها و ایجاد تناسب میان امور موزه و تخصص‌های موردنیاز.
- تأمین پارکینگ اتومبیل برای مخاطبان موزه‌ها.
- ایجاد فضاهای سبز، نیمکت‌ها و چایخانه سنتی در داخل یا نزدیک محوطه موزه‌ها.
- انجام تبلیغات وسیع برای جذب مخاطب و رونق فرهنگی موزه‌ها.

پی‌نوشت

۱. تکنیک دلفی به جمع‌آوری و تحلیل آرا و نظرات متخصصین یک حوزه از طریق پرسشنامه می‌پردازد و به‌نوعی هم‌اندیشی متخصصان در حوزه‌ای خاص محسوب می‌شود (کلانتری، ۱۳۹۱).
۲. «ایکوم» یا «شورای بین‌المللی موزه‌ها» سازمان بین‌المللی غیردولتی موزه‌ها و کارگزاران حرفه‌ای موزه‌هاست، که برای ترویج منافع موزه‌شناسی و دیگر رشته‌های وابسته به اداره و فعالیت‌های موزه‌ها ایجاد شده است (نفیسی، ۱۳۹۱).
۳. در طیف لیکرت اعتبار هر یک از متغیرها به پنج قسمت مساوی، از گرایش کاملاً موافق تا گرایش کاملاً مخالف تقسیم می‌شود و محقق آن را از طریق پرسشنامه در اختیار پاسخ‌گو قرار می‌دهد تا گرایش خود را درباره آن مشخص نماید (کلانتری، ۱۳۹۱).
۴. آزمون «تی» یکی از آزمون‌های پرکاربرد نرم‌افزار SPSS است که برای آزمون فرضیات پیرامون میانگین یک جامعه استفاده می‌شود. در بیشتر پژوهش‌هایی که با مقیاس لیکرت انجام می‌شوند، جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش و تحلیل سؤالات تخصصی مربوط به آن‌ها از این آزمون استفاده می‌شود (همان).

کتابنامه

- انصاری، جمال، ۱۳۸۷، تاریخ فرهنگ ایران. چاپ دوم، تهران: انتشارات سبحان نور.
- بوآس، فرانتس، ۱۳۹۱، مردم‌شناسی هنر (هنر ابتدایی). ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: نشر گل آذین.
- پانوف، میشل؛ و پرن، میشل، ۱۳۸۶، فرهنگ مردم‌شناسی. ترجمه اصغر عسکری‌خانقاه، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- چبرا، دیپک، ۱۳۹۸، باززیابی پایدار گردشگری فرهنگی و میراث. مترجمان: محمدحسن زال و روزبه میرزایی، چاپ اول، تهران: انتشارات مه‌کامه.
- چشمه‌نور، محیا، ۱۳۹۵، سیری در اصول طراحی موزه. چاپ اول، تهران: انتشارات پشتیبان.
- دارک، کن. آر، ۱۳۸۷، مبانی نظری باستان‌شناسی. ترجمه کامیار عبدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- دو بوکور، مونیک، ۱۳۸۷، رمزهای زنده‌جان. ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.
- رامین، علی، ۱۳۸۹، مبانی جامعه‌شناسی هنر. چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، ۱۳۸۱، پیدایش و تحول هنر. تهران: انتشارات برگ زیتون.
- روح‌الامینی، محمود، ۱۳۸۴، زمینه فرهنگ‌شناسی. چاپ هشتم، تهران: انتشارات عطار.
- زاهدی، محمد؛ خیامباشی، مریم؛ و حاجیها، بهاره، ۱۳۸۸، موزه، موزه‌داری و موزه‌ها. چاپ دوم، اصفهان: انتشارات چهارباغ.
- فرید، محمدصادق، ۱۳۸۸، مبانی انسان‌شناسی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات پشتوتن.
- فکوهی، ناصر، ۱۳۹۱، انسان‌شناسی هنر: زیبایی، قدرت، اساطیر. تهران: نشر ثالث.
- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۵، پاره‌های انسان‌شناسی: مجموعه مقاله‌های کوتاه، نقدها و گفتگوهای انسان‌شناختی. تهران: نشر نی.
- قرائی‌مقدم، امان‌الله، ۱۳۸۲، انسان‌شناسی فرهنگی. چاپ دوم، تهران: انتشارات ابجد.
- کلانتری، خلیل، ۱۳۹۱، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS. چاپ پنجم، تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- گیرو، پیر، ۱۳۸۷، نشانه‌شناسی. ترجمه محمد نبوی، چاپ سوم، تهران: انتشارات آگه.
- ملک شهمیرزادی، صادق، ۱۳۸۲، ایران در پیش از تاریخ. چاپ دوم، تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- صادق پورفیروزآباد، ابوالفضل؛ میرعزیزی، محمود؛ خلیل‌زاده‌مقدم، مریم، ۱۳۹۴، مدیریت موزه. تهران: انتشارات مه‌کامه.

- نفیسی، نوشین-دخت، ۱۳۸۷، موزه و موزه‌داری. تهران: انتشارات سمت.
- هال، جیمز، ۱۳۸۳، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

- Adams, J. D. 2007, "The historical context of science and education at the American Museum of Natural History". *Springer Science*, No. 2, Pp: 393-440.

- Blackaby, J. & Sandore, B., 1997, "Building Integrated Museum Information Retrieval Systems: Practical Approaches to Data Organization and Access". *Archives and Museum Informatics*, Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands, No. 11, Pp: 117-146.

- Cheape, H., 2010, "The Society of Antiquaries of Scotland and their Museum". *Scotland's National Collection and a National Discourse*, Published online: 2 May, No. 14, Pp: 357-373.

- Elings, M. & Garcelon, E., 2000, "The Robert Honeyman Jr. Collection Digital Archive: EAD and the Use of Library and Museum Descriptive Standards". *Archives and Museum Informatics*, Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands, No. 12, Pp: 205-219.

- Branch, G. & Meikle, W. E., 2012, "Taking Students to the Museum". *Interview with Warren, D. Allmon, Judy Diamond, and Martin Weiss*, Published online: 28 March, No. 5 Pp: 123-127

- Hodder, I., 1982a, *Symbols in Action*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Hodder, I., 1982b, *Symbolic and Structural Archaeology*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Hong, J. S; Chen, B. H. & Hung, S. H., 2004, "Toward intelligent styling for digitalmuseum exhibitions". *Modularization framework for aesthetic hypermedia presentations*, Department of Computer Science and Information Engineering, National ChiNan University, Taiwan, R.O.C. Published online: 27 July, No. 4 Pp: 64-68.

- Hong, J. S.; Chen, B. H.; Hung, S. H. & Hasing, J., 2005, "Toward an integrated digitalmuseum system". *The Chi Nan experiences*, Published online: 6 April, No. 5, Pp: 231-251.

- Lee, C.; Kim, Y. S.; Nagajyothi, P. C.; Thammalangsy, S. & Goung, S. J. N., 2011, "Cultural heritage". *A potential pollution source in museum*, Published online: 27 November, No 18, Pp: 743-755.

- Lepouras, G.; Katifori, A.; Vassilakis, C. & Charitos, D., 2004, "Real exhibitions in a virtual museum". published online: 27 March, No. 7, Pp: 120-128.

- Morse, V., 2000, “Untangling the Web: Comparing the Impact of the Internet on the National Archives, the National Library and the Museum of New Zealand Te Papa Tongarewa”. *National Archives of New Zealand, Archives and Museum Informatics*, Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands, No. 13, Pp: 1–21.
- Novati, G.; Pellegrini, P. & Schettini, R., 2005, “An affordable multispectral imaging system for the digital museum”. published online: 10 February, No. 5, Pp: 167–178.
- Niesler, A.; Górny, R. L. & Wlazło, A., 2010, “Microbial contamination of storerooms at the Auschwitz-Birkenau Museum”. Published online: 6 January, No. 26, Pp: 125–133.
- Oikawa, T.; Matsui, T.; Matsuda, Y.; Takayama, T.; Niinuma, H.; Nishida, Y.; Hoshi, K. & Yatagai, M., 2005, “Volatile organic compounds from wood and their influences on museum artifact materials I. Differences in wood species and analyses of causal substances of deterioration”. *The Japan Wood Research Society*, Published online.
- Oikawa, T.; Matsui, T.; Matsuda, Y. & Takayama, T., 2006 “Volatile organic compounds from wood and their influences on museum artifact materials II: inference of causal substances of deterioration based on intercomparison of laser Raman spectra of deteriorated products”. *The Japan Wood Research Society*, Published online: February 5.
- Reddy, M. K., 2005, “Indoor air quality at Salarjung museum, Heydarabad, India”. No. 105, Pp: 359–367.
- Renfrew, C. & Bahn, P., 2005, *Archaeology: Theories, Methods and Practice*. Thames & Hudson press, London.
- Rayward, W. B. & Twidale, M. B., 2000, “From Docent to Cyberdocent: Education and Guidance in the Virtual Museum”. *Archives and Museum Informatics*, Kluwer Academic Publisher, Printed in the Netherlands, No. 13, Pp: 23–53.
- Robens, E. & Kiefer, S., 2010, “The balance in the museum”. online published, No. 101, Pp: 769–773.
- St. John, M. & Perry, D. A., 1993, “Framework for evaluation and research: Science, infrastructure and relationships”. In: S. Bicknell, & G. Farmelo (Eds.), *Museums visitor studies in the 90s*, London: Science Museum, Pp: 59–66.
- Stock. O. & Zancanaro, M., 2007, Adaptive, intelligent presentation of information for the museum visitor in PEACH, Published online: 25 April, No. 17, Pp: 257–304.